

تحلیل جامعه‌شناختی نگرش مردم نسبت به مهاجران خارجی

سعید بیگوند^۱

جعفر رجب‌لو^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۹

چکیده

امروزه جوامع شاهد تغییرات متعدد در حوزه‌های مختلفی هستند. با توجه به این مهم که تغییر در هر حوزه، تغییراتی را در حوزه‌های دیگر به دنبال خواهد داشت، می‌توان از طریق تغییرات اقتصادی، اجتماعی، و تکنولوژیک و به عبارت دیگر از طریق فرایند نوگرایی جوامع، شاهد تغییراتی در حوزه نگرش آن جوامع بود و یا تا حدی آنها را پیش‌بینی کرد. از طرفی توجه به حجم گسترده مهاجرت‌ها و جابجایی‌هایی که هر ساله در درون و مخصوصاً بین جوامع با فرهنگ‌های مختلف انجام می‌شود که بی‌ارتباط با روند نوگرایی جوامع نیز نمی‌باشد، ضرورت توجه ما را به حوزه تغییر نگرشها دو چندان می‌کند. لذا، پاسخ به این سوال ضروری خواهد بود که نگرش جوامع، نسبت به مهاجران/کارگران خارجی چگونه و تحت تاثیر چه عواملی خواهد بود؟ پژوهش حاضر، با روش تحلیل ثانویه درصد پاسخگویی به سوال فوق در سطح کلان با بکارگیری داده‌های ۵۳ کشور حاصل از موج پنجم پروژه بررسی ارزشهای جهانی (WVS)، برآمده است. لذا چگونگی تاثیر متغیرهای ضریب جینی، توسعه انسانی، درصد جمعیت زیر خط فقر و نرخ بیکاری به عنوان متغیرهای مستقل بر روی میزان پذیرش مهاجران خارجی، به عنوان متغیر وابسته بررسی شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که: ۱- بین شاخص ضریب جینی جوامع با میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه معکوس وجود دارد. ۲- بین سطح توسعه انسانی با درصد جمعیت زیر خط فقر و ضریب جینی رابطه معکوس وجود دارد. ۳- سطح توسعه انسانی تاثیر مستقیمی بر میزان پذیرش مهاجران خارجی ندارد، بلکه از طریق سایر متغیرها، مثل ضریب جینی تاثیر غیر مستقیمی بر میزان پذیرش مهاجران می‌گذارد. ۴- نرخ بیکاری فقط سطح توسعه انسانی جوامع را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: توسعه انسانی، جمعیت زیر خط فقر، ضریب جینی، نرخ بیکاری، مهاجران خارجی

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، نویسنده اصلی، مسئول مکاتبات Saeedbik1393@gmail.com

۲- کارشناس ارشد پژوهش، مدرس دانشگاه علوم انتظامی j.rajabloo@yahoo.com

۱. مقدمه

تغییر و تحول جوامع از سنتی به مدرن، پدیده‌ای است که قرن‌ها از آغاز آن می‌گذرد و این خود پیامدهای مختلفی داشته است. یکی از مهمترین پیامدهای این تغییرات، تغییر در حوزه نگرش جوامع، ملیتها و قومیتها نسبت به یکدیگر می‌باشد. بسیاری از کشورهای جهان امروز، جمعیت‌های چند قومیتی دارند که اغلب در طول چندین قرن به این صورت در آمده‌اند. جوامع دیگری هم هستند که با سرعت بیشتری چند قومیتی و چند هویتی شده‌اند، که اغلب نتیجه سیاستهای عمدی، تشویق مهاجرت یا بواسطه میراث استعماری و امپراطوری بوده است. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۷۲)

در عصر جهانی شدن و دگرگونیهای پرشتاب اجتماعی، مزایای بی‌شمار و چالشهای بغرنج تنوع قومی در برابر شمار رو به رشدی از دولتها قرار می‌گیرد. مهاجرت بین‌المللی همراه با ادغام شدن و یکپارچگی اقتصاد جهانی شتاب بیشتری می‌گیرد و تنوع اقدام را در جوامع ایجاد می‌کند. وجود پیشینه‌های متفاوت زبانی، دینی و فرهنگی می‌تواند نقاط ضعفی باشد که به دشمنی‌های آشکار میان گروههای قومی منجر می‌شود. (همان: ۳۷۴) لذا مقابله با تعارضهای قومی و پیشگیری از آنها به یکی از چالشهای اصلی پیش روی تک‌تک دولتها و ساختارهای سیاسی بین‌المللی تبدیل شده است. (همان: ۳۷۶)

به عبارت دیگر، تنشهای سیاسی، فرهنگی، هویتی و قومیتی، می‌تواند نتیجه تنوع اقوام و نگرش جوامع نسبت به سایرین (مثلا مهاجران و کارگران خارجی) باشد. لذا تحقیق پیرامون نگرش جوامع نسبت به خارجی‌ها و شناخت دقیق آن می‌تواند، در سیاست‌گذاریهای خرد و کلان کشورها مفید و مثمر ثمر واقع شود و این امر ضرورت و اهمیت موضوع را نشان می‌دهد. نگرش نسبت به مهاجران/کارگران خارجی همواره تحت تاثیر عوامل و شاخصه‌های مختلفی است چون ضریب جینی، توسعه انسانی، نرخ بیکاری و جمعیت زیر خط فقر. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که اساسا طی چه مدل نظری می‌توان، نوع و چگونگی تاثیرات بر روی نگرش نسبت به خارجی‌ها را مورد بررسی قرار داد؟ نوشتار حاضر با توجه به ضرورت و اهمیت موضوع به بررسی عوامل و شاخصه‌های موثر بر نوع نگرش جوامع نسبت به کارگران و مهاجران خارجی می‌پردازد. طبیعتا این موضوع در سطح کلان معنادار خواهد بود. بنابراین با استفاده از فایل داده‌های WVS اطلاعات مربوط به کشورهایی که در طی سال ۲۰۰۵ و در موج پنجم مورد سوال واقع شده‌اند، استخراج شد که شامل ۵۳ کشور دنیا از قاره‌های مختلف می‌باشد. برخی از این کشورها جزء کشورهای توسعه یافته و برخی جزء کشورهای توسعه نیافته محسوب می‌شوند. اطلاعات مربوط به شاخصهای توسعه انسانی، ضریب جینی (نابرابری) و درصد جمعیت زیر خط فقر از سایتهای word bank و nation master و Wikipedia و آرشیو سایت سازمان ملل تهیه گردید و با استفاده از روش تحلیل ثانویه مورد تحلیل قرار گرفت. در این تحقیق درصدد خواهیم بود که چگونگی رابطه متغیرها و شاخصه‌های مذکور را در بین کشورها و در سطح کلا مورد تحلیل قرار دهیم. با توجه به این که در صدد تحلیل جامعه‌شناختی نوع نگرش مردم جوامع نسبت به مهاجران خارجی هستیم و به عبارتی در صددیم که بدانیم چرا برخی جوامع مهاجران خارجی را می‌پذیرند و برخی از پذیرش خارجی‌ها سرباز می‌زنند و یا حداقل مخالف حضور مهاجران و کارگران خارجی هستند؛ و با توجه به اینکه قصد داریم برخی از شاخصه‌ها و مداخله‌ها را با متغیر «میزان پذیرش مهاجران خارجی» در ارتباط قرار دهیم؛ و نظر به این جهت که شاخصه‌های مورد بررسی در این تحقیق جزء مهمترین شاخصه‌های نوسازی (مدرنیته) محسوب می‌شوند، لذا ادبیات نظری بر روی نظریه‌های نوسازی و پیامدهای آن متمرکز خواهد شد. لذا در ابتدا تعریفی از نوسازی از منظر جامعه‌شناختی ارائه شده و پس نظریه‌های نوسازی را در حوزه نظری دسته‌بندی می‌کنیم و بر مبنای آنها اقدام به تبیین پدیده‌ی «نگرش نسبت به مهاجران خارجی» یا «میزان پذیرش مهاجران خارجی» خواهیم نمود.

نوسازی از منظر جامعه‌شناختی:

جامعه‌شناسان در تعریف نوسازی معمولاً به ابعادی چون تفکیک و تمایز اجتماعی نقش‌ها و دگرگونی در کنش‌ها و غالب شدن کنش‌های عقلانی و منطقی در بین افراد جامعه توجه دارند. به گونه‌ای که از لحاظ اجتماعی نوسازی جامعه و نهادهای اجتماعی زمانی رخ داد که محدودیت‌های گذشته از میان برداشته شده و افراد توانستند آزادانه برای داد و ستد و یا پیدا کردن کار کوچ کنند و افراد زمانی متجدد شدند که قید و بندهای فکری از طریق آموزش، رسانه و سواد از بین رفت. (گلدروپ، ۱۳۷۰: ۲۶).

دیدگاه نوسازی در قالب سه حوزه نظری مطرح می‌شود که در هر حوزه شامل نظریه پردازی خاصی است.

الف) حوزه نظریه‌های نوسازی اجتماعی:

خاستگاه نظری اندیشه‌های جامعه‌شناختی مربوط به نوسازی را جامعه‌شناسان کلاسیک تشکیل می‌دهند. جامعه‌شناسانی که دو خصوصیت کل‌گرایی و تیپ‌گرایی جوامع بر مبنای تحول اجتماعی و تاریخی‌شان در سراسر اندیشه‌های آنها حضور دارد. جامعه‌شناسان بعدی با بهره‌گیری از این اندیشه‌ها در قالب‌های جدید و همسویی با اندیشه‌های اجتماعی به بازسازی این اندیشه‌ها پرداختند. پارسونز، هوزلیتز، اسملر و آیزنشتاد در این دسته قرار می‌گیرند. (ازکیا و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۷۸)

پارسونز: در حوزه بحث نوسازی عمده مباحث او در بحث متغیرهای الگویی و تیپ‌بندی‌ای که از جوامع ارائه می‌دهد، خلاصه می‌شود. متغیرهای الگویی دو شیوه متفاوت جهت‌گرایی ارزش در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود و در هر نظام اجتماعی ایفا کند. به عبارتی این متغیرها دلالت بر الگوهای ارزشی متفاوت حاکم بر رفتار فرد در ارتباط با دیگران است. به نظر پارسونز متغیرهای الگویی واقعیت‌هایی هستند که جنبه عمومی و جهانی دارند و نشانگر تأثیر ویژگی‌های ساختی هر نظام اجتماعی بر رفتار فرد هستند. متغیرهایی چون کنش عاطفی در مقابل کنش غیرعاطفی، خاص‌گرایی در مقابل تام‌گرایی، انتساب در مقابل اکتساب. (همان: ۱۸۴-۱۸۰). در اجتماعات سنتی انتخاب مبتنی بر کنشهای عاطفی، خاص‌گرا و انتساب است ولی اجتماعات مدرن، مبتنی بر کنش غیرعاطفی، عام‌گرا و اکتسابی عمل می‌کنند. در این میان نوع نگرش جوامع به مهاجران و کارگران خارجی می‌تواند قابل تحلیل و درک باشد.

هوزلیتز: وی با به‌کارگیری متغیرهای الگویی پارسونز، نتیجه می‌گیرد که متغیرهای الگویی در کشورهای توسعه‌یافته، براساس خصیصه‌هایی نظیر عام‌گرایی، سوگیری انتسابی و تفکیک کارکردها مشخص می‌شوند. در حالی که در جوامع جهان سوم براساس متغیرهایی نظیر خاص‌گرایی، سوگیری انتسابی و آمیختگی و تداخل کارکردها. (همان: ۱۸۸). این بدان معناست که شاخصه‌های نوسازی و مدرنیته، و سطح توسعه‌یافتگی کشورها در مجموع، نوع نگاه و نگرش و رفتارشان را در قبال با دیگران تعیین می‌کنند. و جهت این نگرش بدین صورت است که هر چه کشورها سطح توسعه‌یافتگی‌شان بالاتر باشد، نگرش عام‌گرا و اکتسابی (مثبت) نسبت به دیگران خواهند داشت و بالعکس.

ب) نظریه‌های نوسازی روانی:

نظریه پردازان این حوزه، واحد تحلیل خود را در سطوح میانی قرار داده‌اند و به عبارتی واحد تحلیل نظام‌های شخصیتی افراد در جوامع سنتی و مدرن است. نظریه‌پردازان این حوزه بر کنش‌های سطوح خرد و میانی متمرکز شده‌اند و به همین دلیل، بیشتر از منظر روان‌شناسی اجتماعی به مسائل مربوط به نوسازی می‌نگرند. در این حوزه نظریه‌پردازانی چون دانیل لرنر و هیگن و مک کله‌لند قرار می‌گیرند.

دانیل لرنر: با رویکرد و جامعه‌شناختی - روان‌شناختی به مطالعه نوسازی پرداخته و کار خود را بر تنش کشورهای خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه) متمرکز نموده است. به زعم لرنر ورود عناصر، شاخصه‌ها و

مکانیسم‌هایی که حاصل نوسازی هستند، در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسانها برای پذیرش عناصر جدید و شرایط جدید تأثیر گذار خواهد بود. (ازکیا، ۱۳۸۶: ۲۰۷). از نظر لرنر مهمترین عناصر و متغیرهایی که در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی انسانها مؤثرند، عبارتند از: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی و ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت. (همان: ۲۰۷) ژان کازنو نیز در این فرایند سه عامل شهرگرایی، سوادآموزی و توسعه وسایل ارتباط جمعی را مهم و تأثیرگذار می‌داند (کازنو، ۱۳۶۷: ۳۱۴). لرنر با مطالعه میدانی خود در خاورمیانه به خصوص ترکیه، معتقد است که همراه با ورود خدمات و تسهیلات شهری به جوامع همچون لوله‌کشی، مدرسه، کارخانه، جاده‌سازی و غیره نگرش‌ها و باورهای مردم نیز تغییر می‌کند. او بر مبنای حالات روانی و نگرش‌های انسانها نسبت به محیط اجتماعی و عناصر آن انسانها را به سه دسته نوگرا، در حال تحول و سنتی تقسیم می‌کند و معتقد است که این حالات و نگرش‌ها تحت تأثیر متغیرهایی است که انسان‌ها با آنها مواجه اند (ازکیا، ۱۳۸۶: ۲۰۸). همانگونه که ملاحظه می‌گردد، لرنر تغییر نوع نگرش‌ها را تابعی از متغیرهایی می‌داند که شاخصه‌هایی از نوگرایی و توسعه انسانی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که جوامعی که به لحاظ شاخصه‌های نوگرایی، توسعه ضریب جینی و توسعه انسانی و فقر و غیره وضعیت مطلوبی دارند، نگرش‌های آنان نیز نسبت به مسائلی چون مهاجران خارجی نوگراتر و مدرن‌تر خواهد بود.

ج) نظریه‌های نوسازی اقتصادی:

نظریه پردازان این حوزه با تأکید بر عوامل و شاخص‌های اقتصادی، به نقشی که عواملی چون پیشرفتهای فنی، تولید، ابتکار و اختراع در مسیر توسعه بازی می‌کنند، اشاره دارد. این دیدگاه نیز قائل به این نکته است که رشد شاخصه‌های صرف اقتصادی مانند کاهش فقر، افزایش درآمد، رشد تولید ناخالص ملی و بطور کلی رشد اقتصادی می‌تواند، بر روی کیفیت زندگی و نهایت نگرش جوامع تأثیر گذار باشد.

علاوه بر تقسیم بندی فوق جامعه‌شناسانی چون گیدنز و اینگلههارت مشخصاً به پدیده‌ی مهاجرت پرداخته‌اند. آنتونی گیدنز: از نظر گیدنز، اگر چه مهاجرت (migration) پدیده تازه‌ای نیست، اما به نظر می‌رسد که به منزله‌ی بخشی از فرایند ادغام جهانی، در حال شتاب گرفتن است و الگوهای جهان گستر مهاجرت را می‌توان بازتابی از پیوندهای در حال تغییر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین کشورها تلقی کرد. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۷۶). مهاجرت به درون (immigration) یا فرایند حرکت مردم به داخل یک شکر به قصد اقامت در آن (emigration) یا فرایند ترک گفتن یک کشور برای اقامت در کشوری دیگر، با همدیگر ترکیب می‌شوند و الگوی جهانی مهاجرت را بوجود می‌آورند که کشورهای مبدأ و مقصد را به متصل می‌کنند. حرکات مهاجرتی موجب افزایش تنوع قومی و فرهنگی می‌شود و به شکل گیری پویای‌های اجتماعی و اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند. (همان: ۳۷۷). گیدنز چهار مدل را برای مهاجرت معرفی کرده است:

- ۱- مدل کلاسیک مهاجرت که در چنین مواردی مهاجرت به درون تا اندازه زیادی تشویق شده و وعده شهروندان به تازه واردان داده شده است.
- ۲- مدل استعماری است که با ورود مهاجران مستعمره‌های سابق خود بیشتر موافقت و مساعدت می‌شود.
- ۳- مدل کارگران میهمان که در این الگو، مهاجران بطور موقتی پذیرفته می‌شوند و هدف برآورد تقاضاهای بازار کار است.
- ۴- مدل غیرقانونی که مهاجرت بطور مخفیانه و غیرقانونی را شامل می‌شود. (همان: ۳۷۸).

به زعم گیدنز، در همه جوامع افراد پیوسته با کسانی در تماس اند که طرز فکر متفاوت، نگرش متفاوت و زندگی متفاوتی با آنها دارند. این کنش‌های متقابل هم در روابط اشخاص روی می‌دهد، که از نتایج مهاجرت جهانی است و هم از طریق

تصاویری که رسانه‌ها و اینترنت انتقال می‌دهند. برخی از این کثرت فرهنگی و قومی ناشی از مهاجرت (ورود مهاجران) استقبال می‌کنند و آنرا مؤلفه حیاتی یک جامعه جهان‌شهری می‌دانند. برخی هم آن را خطرناک و تهدیدآمیز می‌بینند. گیدنز معتقد است کسانی که نگرش بنیادگرا (سنتی) به جهان دارند به سنت دیرینه پناه می‌برند و از گفتگو با کسانی که متفاوت اند اجتناب می‌کنند. (همان: ۴۰۳). ملاحظه می‌گردد که گیدنز نیز نگرش‌های بنیادگرایانه مبتنی بر سنت را عامل مهم و تأثیرگذار بر نوع نگرش جوامع نسبت به مهاجران تلقی می‌کنند. این نگرش بنیادگرایانه به سطح سنتی یا مدرن بودن جوامع باز می‌گردد.

اینگلهارت: به زعم اینگلهارت نوسازی بصورت نامحدود در جهتی یکسان حرکت نمی‌کند؛ بلکه مراحل مختلف نوسازی، مجموعه متمایزی از تغییرات را در جهان بینی‌های افراد به همراه می‌آورد. (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۳) به عبارت دیگر ایده کانونی نوسازی این است که توسعه اقتصادی و تکنولوژیکی مجموعه منسجمی از تغییرات اجتماعی و سیاسی را به همراه می‌آورد در حقیقت، توسعه اقتصادی به شدت با تغییرات فراگیری در باورها و انگیزه‌های افراد مرتبط می‌شود (همان: ۱۵) صنعتی شدن منجر به فرایند عمده‌ای از تغییر شده و بوروکراتیک شدن، سلسله مراتب، تمرکز اقتدار، سکولاریته و دگرگونی از ارزشهای سنتی به سکولار عقلانی را به همراه می‌آورد. (همان: ۱۳). از طرفی رشد جامعه فراصنعتی نیز با تأکید بر استقلال انسانی و ارزشهای ابراز وجود رشد‌رهایی از اقتدار را به همراه می‌آورد. بنابراین در شرایط مساوی، سطوح بالای توسعه اقتصادی موجب تکوین افرادی می‌شوند که دارای تساهل بیشتری بوده و به دیگران اعتماد بالاتری دارند، افرادی که بر ارزشهای ابراز وجود تأکید بیشتری خواهند کرد. (همان: ۱۴) ارزشهای ابراز وجود نیز به آزادی بیان ما مشارکت در تصمیم‌گیری، فعالیت سیاسی حمایت از محیط زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل نسبت به اقلیت‌های قومی، دسته‌ها و گروه‌های مختلف، اولویت بالایی اختصاص می‌دهند. (همان: ۱۶)

جوامعی که براساس ابراز وجود رتبه بالایی دریافت کنند، براستقلال فردی و کیفیت زندگی بیش از امنیت اقتصادی و فیزیکی تأکید می‌کنند. شهروندان این جوامع بر اساس موضوعات برابری جنسیتی، تساهل نسبت به همجنس‌بازان زن و مرد، بیگانگان و سایر گروه‌های بیرونی (نظیر مهاجران) در رتبه بالایی قرار می‌گیرند. (همان: ۱۹۱) آنها سطوح نسبتاً بالایی از رفاه ذهنی و اعتماد بین فردی را نشان داده و بر قدرت تخیل و تساهل به عنوان امور موضعی که بایست به کودکان آموخته شود، تأکید می‌کنند. (همان: ۱۹۲). همانطور که ملاحظه می‌گردد اینگلهارت سطح تساهل نسبت به دیگران (مهاجران و کارگران خارجی) را تابعی از سطوح توسعه اقتصادی اجتماعی و نوگرایی می‌داند.

مدل تحلیلی:

در بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی نگرش نسبت به مهاجران خارجی که ذیل مجموعه عام تر و کلان تری تحت عنوان تساهل‌گرایی و انعطاف در نگرش نسبت به دیگران قرار می‌گیرد: اندیشمندان و جامعه‌شناسان مختلف در کلام به نحوی به موضوع فوق پرداخته‌اند. همانگونه که ذکر شد، در قالب نظریه‌های نوسازی اجتماعی جامعه‌شناسانی چون پارسونز و هونه لیتز در قالب بحث متغیرهای الگویی، در طرح تساهل و نگرش نسبت به دیگران را تابعی از شاخصه‌های نوسازی می‌دانند. دلیل امر فرار قالب نظریه‌ی نوسازی روانی، شاخصه‌ها و مکانیسم‌های حاصل نوسازی، سطح تساهل و پذیرش عناصر و شرایط جدید، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گیدنز، نگرش‌های بنیادگرایانه مبتنی بر سنت را عامل مهم تأثیرگذار بر نوع نگرش نسبت به مهاجران تلقی می‌کند و به عبارتی درجه وابستگی جوامع به الگوهای سنت یا نوگرایانه، میزان تساهل آزادانه را نسبت به دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت اینگلهارت نیز صنعتی شده و توسعه اقتصادی اجتماعی یا نوگرایی را عامل تأثیرگذار می‌داند که سطح تساهل نسبت به دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این مقاله سعی بر آنست که با مطالعه تأثیر متغیرها و شاخصه‌هایی از توسعه و نوگرایی بر نوع نگرش (پذیرش یا عدم پذیرش) نسبت به مهاجران خارجی، به بررسی وضعیت و چگونگی پذیرش و تساهل نسبت به مهاجران خارجی پردازیم. لازم به ذکر است که این بررسی در سطح کلان انجام می‌گیرد و شاخصه‌های و متغیرهایی که با همدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند، در سطح کلان معنادارند.

در این میان سه شاخص و متغیر (۱- ضریب جینی ۲- درصد جمعیت زیر خط فقر ۳- توسعه انسانی) مربوط به کشورهای مورد بررسی با شاخص میزان پذیرش مهاجران در ارتباط قرار می‌گیرند و بر مبنای این نظام مفهومی می‌توان فرضیات ذیل را در خصوص رابطه بین میزان پذیرش مهاجران خارجی (تساهل)، ضریب جینی (نابرابری)، درصد جمعیت زیر خط فقر (میزان فقر) و توسعه انسانی طرح کرد.

- ۱- به نظر می‌رسد که بین «ضریب جینی» کشورها و میزان پذیرش مهاجران خارجی (تساهل) رابطه معکوس وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین «میزان جمعیت زیر خط فقر» کشورها و میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه معکوس وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که بین «سطح توسعه انسانی» کشورها و میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه مستقیم وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد که بین «نرخ بیکاری» کشورها و میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه معکوس وجود دارد.

۲. روش

مقاله حاضر، نوعی پژوهش اسنادی است و مبتنی بر استفاده از داده‌های موجود می‌باشد. به عبارت دیگر، مقاله حاضر مبتنی بر روش تحلیل ثانویه است. در صدد خواهیم بود کشورهایی را که شاخص میزان پذیرش کارگران خارجی از آنان پرسش شده است (که شامل ۵۳ کشور دنیا است) مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. داده‌های این تحلیل از چند منبع اخذ شده است. داده‌های مربوط به متغیر میزان پذیرش مهاجران خارجی (نگرش نسبت به مهاجران خارجی) مبتنی بر موج پنجم پروژه بررسی‌های جهانی (WVS) بوده و داده‌های مربوط به شاخص نابرابری (ضریب جینی) و میزان درصد جمعیت زیر خط فقر کشورها از بخش اطلاعات و آرشیو داده‌های سایت سازمان ملل متحد و همچنین از سایت‌های زیر گردآوری شد.

<http://data.worldbank.org> و <http://www.nationmaster.com>

داده‌های مربوط به متغیر شاخص توسعه انسانی از آدرس ذیل اخذ شد.

http://fa.wikipedia.org/wiki/list_of_country_by_H.D

متغیرهای تحقیق: در پژوهش حاضر متغیرها در سطح کلان بوده و شامل ضریب جینی (میزان نابرابری)، درصد جمعیت زیر خط فقر و توسعه انسانی به عنوان متغیرهای مستقل و میزان پذیرش مهاجران خارجی (میزان تساهل) به عنوان متغیر وابسته مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. جهت تحلیل متغیرها از روش تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر و همچنین از لیزرل جهت اندازه‌گیری برازش مدل استفاده شده است.

۳. یافته‌ها

مقاله حاضر در صدد است تا تحلیلی از وضعیت میزان پذیرش مهاجران (کارگران) خارجی در میان ۵۳ کشور موج پنجم ارزشهای جهانی WVS به دست دهد. برای این منظور اطلاعات مربوط به کشورهای مذکور درباره متغیر میزان پذیرش

مهاجران خارجی استخراج شد. پس اطلاعات چهار متغیر ضریب جینی (شاخص نابرابری) در صد جمعیت زیر خط فقر (وضعیت رفاه)، توسعه انسانی و نرخ بیکاری (وضعیت اشتغال) در خصوص کشورهای مذکور از سایت سازمان ملل استخراج شده و در یک فایل جدید SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند. در ادامه در ابتدا بند اول مربوط به دسته بندی کشورهای مورد بررسی براساس هر یک از شاخص های فوق الذکر آمده و سپس تحلیل رگرسیونی متغیرهای فوق جهت تعیین سهم میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر روی میزان پذیرش مهاجران خارجی، خواهد آمد.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی کشورها بر حسب شاخص توسعه انسانی

وضعیت کشورها بر حسب شاخص توسعه انسانی	فراوانی	درصد	تجمعی
پایین	۶	۱۱/۳	۱۱/۳
متوسط	۱۷	۳۲/۱	۴۳/۴
بالا	۳۰	۵۶/۶	۱۰۰
جمع	۵۳	۱۰۰	—

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که از میان ۵۳ کشور پیمایش شده در موج پنجم ارزشهای جهانی (WVS)، ۱۱/۳ درصد کشورها بر حسب توسعه انسانی در حد پائین قرار دارند. در ۳۲ درصد در حد متوسط و ۵۶/۶ درصد کشورها دارای شاخص توسعه انسانی بالایی قرار دارند. ملاحظه می گردد که کشورهای مورد بررسی به لحاظ شاخص مذکور در وضعیت مطلوبی قرار دارند. لازم به توضیح است که کشورهای با شاخص توسعه انسانی کمتر از ۰/۵۰۰ دارای سطح توسعه انسانی پایین، از ۰/۵۰۰ تا ۰/۷۹۹ دارای سطح توسعه انسانی متوسط و از ۰/۸۰۰ به بالاتر دارای سطح توسعه انسانی بالا تعریف شده اند. ایران با ۰/۷۷۷ در حد متوسط جایی می گیرد (با توجه به اینکه داده های موج پنجم مربوط به سال ۲۰۰۵ می باشد لذا شاخص ایران در توسعه انسانی نیز مربوط به سال ۲۰۰۵ است).

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی کشورها بر حسب شاخص ضریب جینی

وضعیت کشورها بر حسب ضریب جینی	فراوانی	درصد	تجمعی
پایین	۸	۱۵/۱	۱۵/۱
متوسط	۲۶	۴۹/۱	۶۴/۲
بالا	۱۹	۳۵/۸	۱۰۰
جمع	۵۳	۱۰۰	—

با توجه به جدول فوق از مجموع ۵۳ کشور مورد بررسی تنها ۱۵/۱ درصد ضریب جینی پایینی دارند. یعنی منابع و ثروت بطور عادلانه و برابر توزیع شده است اما بیشتر کشورها (۸۵ درصد) دارای ضریب جینی متوسط و بالاتراند. این بدان معناست که بیشتر کشورها وضع مطلوبی به لحاظ شاخص ضریب جینی ندارند. لازم به ذکر است که کشورهای با شاخص زیر ۰/۲۹۰ دارای ضریب جینی پائین اند. بین ۰/۲۹۱ تا ۰/۴۰۰ دارای ضریب جینی متوسط اند و بالاتر از

۰/۴۰۰ دارای ضریب جینی بالا می باشند. میزان با ۰/۴۴۵ دارای ضریب جینی نسبتاً بالایی است و نشان از نابرابری در توزیع ثروت و منابع دارد.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی کشورها بر حسب نرخ بیکاری

وضعیت کشورها بر حسب نرخ بیکاری	فراوانی	درصد	تجمعی
پائین	۱۲	۲۲/۶	۲۲/۶
متوسط	۲۶	۴۹/۱	۷۱/۷
بالا	۱۵	۲۸/۳	۱۰۰
جمع	۵۳	۱۰۰	—

با توجه به جدول فوق تنها ۲۲/۶ درصد کشورها دارای نرخ بیکاری پائین اند و بیشتر کشورها (۷۷/۴ درصد) نرخ بیکاری متوسط بالاتر دارند. لازم به ذکر است که کشورهای با شاخص ۰/۵ تا ۵ دارای نرخ بیکاری پائین، بین ۵ تا ۱۰ دارای نرخ بیکاری متوسط و بالاتر از ۱۰ دارای نرخ بیکاری بالا هستند. ایران با ۱۱/۵ درصد دارای نرخ بیکاری بالایی قرار دارد. (این عدد مربوط به سال ۲۰۰۵ می باشد. طبیعی است که از سال ۲۰۰۵ به بعد نرخ بیکاری دچار تغییرات و نوساناتی شده است).

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی کشورها بر حسب شاخص جمعیت زیر خط فقر

وضعیت کشورها بر حسب جمعیت زیر خط فقر	فراوانی	درصد	تجمعی
پایین	۱۲	۲۲/۶	۲۲/۶
متوسط	۱۳	۲۴/۵	۴۷/۲
بالا	۲۸	۵۲/۸	۱۰۰
جمع	۵۳	۱۰۰	—

با توجه به جدول فوق تنها ۲۲/۶ درصد کشورهای مورد بررسی جمعیت زیر خط فقرشان در حد پائینی قرار دارد و بیش از نیمی از کشورهای مورد پیمایش (۵۲/۸ درصد) جمعیت زیر خط فقرشان بالاست. لازم به ذکر است که کشورهای با شاخص زیر ۸ درصد در حد پائین، بین ۸ تا ۱۵ در حد متوسط و بالاتر از ۱۵ درصد در حد بالا طبقه بندی شده اند. ایران با ۱۸ درصد جمعیت زیر خط فقر در حد بالایی قرار می گیرد و نشان دهنده ی آن است که به لحاظ شاخص جمعیت زیر خط فقر وضعیت مطلوبی در سال ۲۰۰۵ وجود نداشته است.

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی کشورها برحسب شاخص درصد پذیرش مهاجران خارجی

وضعیت کشورها برحسب درصد پذیرش مهاجران خارجی	فراوانی	درصد	تجمعی
پائین	۴	۷/۵	۷/۵
متوسط	۲۸	۵۲/۸	۶۰/۴
بالا	۲۱	۳۹/۶	۱۰۰
جمع	۵۳	۱۰۰	—

با توجه به اطلاعات جدول صفحه قبل ۷/۵ درصد از کشورهای مورد بررسی مهاجران خارجی را در حد پایینی پذیرفته اند، ۵۲/۸ درصد مهاجران خارجی را در حد متوسط پذیرش کرده اند و ۳۹/۶ درصد کشورها خارجی ها را در حد بالایی پذیرفته اند. هر چه درصد پذیرش در حد بالاتری قرار گیرد، نشان می دهد که آن کشور تساهل بیشتری نسبت به پذیرش مهاجران/کارگران خارجی دارد. لازم به ذکر است که کشورهای با شاخص زیر ۵۰ درصد در حد پایین، بین ۵۰ تا ۷۰ درصد متوسط و ۷۰ درصد به بالا در حد بالا قرار می گیرند. ایران با ۴۰/۷ درصد در حد پایین قرار گرفته است. این بدان معناست که نگرش مطلوب و مثبتی نسبت به خارجی ها وجود ندارد و ایران در پذیرش مهاجران/کارگران خارجی تساهل کمی از خود نشان می دهد.

جدول شماره ۶- میانگین نمره مقیاس پذیرش مهاجران/کارگران خارجی به تفکیک متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	میانگین شاخص پذیرش مهاجران/کارگران خارجی	
توسعه انسانی	بالا	۸۲/۶۹
	متوسط	۷۱/۵۸
	پایین	۷۷/۷۶
ضریب جینی	بالا	۷۷
	متوسط	۷۷/۲۱
	پایین	۸۶/۵۸
نرخ بیکاری	بالا	۷۲/۵۴
	متوسط	۸۴/۹۶
	پایین	۷۲/۶۰
درصد زیر خط فقر	بالا	۷۴/۲۷
	متوسط	۷۹/۴۲
	پایین	۸۱/۶۸

جدول فوق وضعیت نگرش کشورها را نسبت به مهاجران/کارگران خارجی نشان می دهد. این جدول نشان می دهد که کشورهایی که ضریب جینی پایین تری دارند، بیشتر از کشورهایی که ضریب جینی بالاتری دارند، مهاجران/کارگران خارجی را می پذیرند. به عبارت دیگر هر چه مقدار ضریب جینی کاهش می یابد، میزان پذیرش و تساهل نسبت به دیگران (خارجی ها) افزایش می یابد. همچنین کشورهایی که جمعیت زیر خط فقر پایین تری دارند، میزان پذیرش

مهاجران/کارگران خارجی افزایش می یابد و برعکس کشورهایی که جمعیت زیر خط فقر بالاتری دارند، تساهل کمتری در پذیرش مهاجران نشان می دهند. در خصوص متغیر توسعه انسانی و نرخ بیکاری به نظر می رسد که نمی توان روند مشخصی را تشخیص داد. در ادامه، تحلیل رگرسیونی متغیرهای فوق الذکر (در سطح کلان) با در نظر گرفتن شاخص میزان پذیرش مهاجران/کارگران خارجی به عنوان متغیر وابسته خواهد آمد، تا ضمن آزمون فرضیات، مدل تحلیلی نهایی استخراج گردد.

جدول شماره ۷- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان پذیرش مهاجران خارجی

متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیونی B	ضرایب استاندارد شده Beta	Sig
توسعه انسانی	۳۴/۵۰۰	۰/۳۴۵	۰/۵۳۰
ضریب جینی	-۵۷/۳۴۴	-۰/۳۲۷	۰/۰۴۵
نرخ بیکاری	۰/۱۱۷	۰/۰۷۷	۰/۶۱۷
جمعیت زیر خط فقر	۰/۴۷۸	۰/۴۴۶	۰/۰۲۲
	F=2/273	R squared=0/159	R=0/399

در مرحله اول تحلیل رگرسیونی، از بین چهار متغیر مستقل، دو متغیر جمعیت زیر خط فقر و ضریب جینی دارای تأثیر معناداری به میزان پذیرش مهاجران خارجی هستند و متغیر «میزان جمعیت زیر خط فقر» و پس از آن ضریب جینی دارای بیشترین تأثیر بر پذیرش مهاجران خارجی هستند. این وضعیت نشان می دهد که بین میزان ضریب جینی و میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. به طوری که هر چه شاخص ضریب جینی کشورها کاهش یابد (شاخص نابرابری کاهش یابد) پذیرش مهاجران خارجی افزایش می یابد. بین شاخص جمعیت زیر خط فقر و میزان پذیرش مهاجران خارجی رابطه معنادار وجود دارد، اما این رابطه بر خلاف آنچه در فرضیه ادعا شده است، مستقیم می باشد، نه معکوس. جهت مشخص شدن مدل تحلیل نهایی، تحلیل رگرسیون را با متغیرهای دیگر ادامه می دهیم و در حقیقت در صدد انجام تحلیل مسیر و ادامه چگونگی رابطه بین متغیر خواهیم بود.

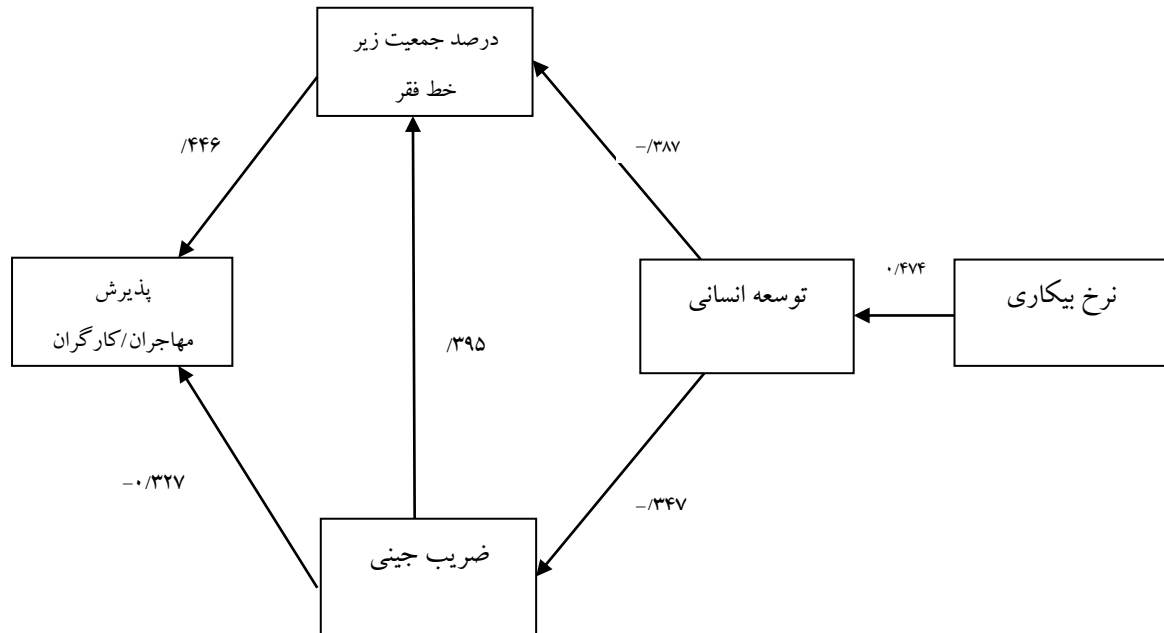
جدول شماره ۸- ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل بر میزان جمعیت زیر خط فقر

متغیرهای مستقل	ضرایب رگرسیون B	ضرایب استاندارد Beta	Sig
توسعه انسانی	-۳۶/۰۷۰	-۰/۳۸۷	۰/۰۰۲
ضریب جینی	۶۴/۶۱۶	۰/۳۹۵	۰/۰۰۱
نرخ بیکاری	۰/۲۱۵	۰/۱۵۳	۰/۱۸۷

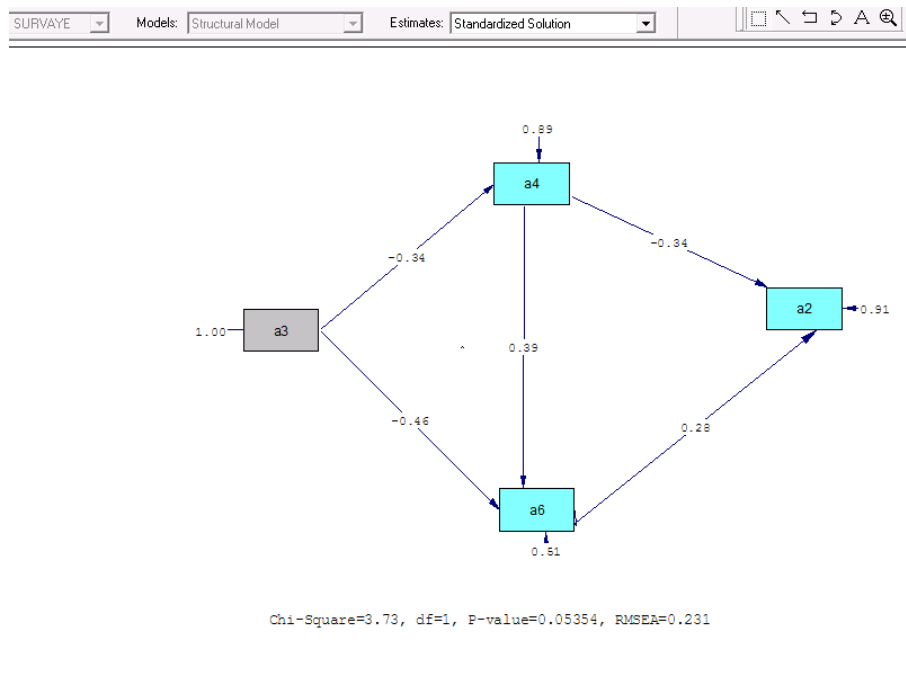
در مرحله دوم رگرسیون، تأثیر دو عامل توسعه انسانی و ضریب جینی بر روی میزان جمعیت زیر خط فقر معنادار است و در این میان ضریب جینی بیشترین تأثیر را بر روی شاخص جمعیت زیر خط فقر دارد. بعلاوه بین توسعه انسانی و شاخص جمعیت زیر خط فقر رابطه معکوس وجود دارد. یعنی با بهبود شاخص توسعه انسانی، درصد جمعیت زیر خط فقر کاهش می یابد. در مرحله بعدی تأثیر دو متغیر «توسعه انسانی» و «نرخ بیکاری» بر روی ضریب جینی محاسبه شده است که نتیجه به شرح جدول بعدی است.

متغیرهای مستقل	ضرایب B	ضرایب Beta	Sig
توسعه انسانی	-۰/۱۹۸	-۰/۳۴۷	۰/۰۲۶
نرخ بیکاری	۰/۰۰۰	-۰/۰۱۸	۰/۹۰۷

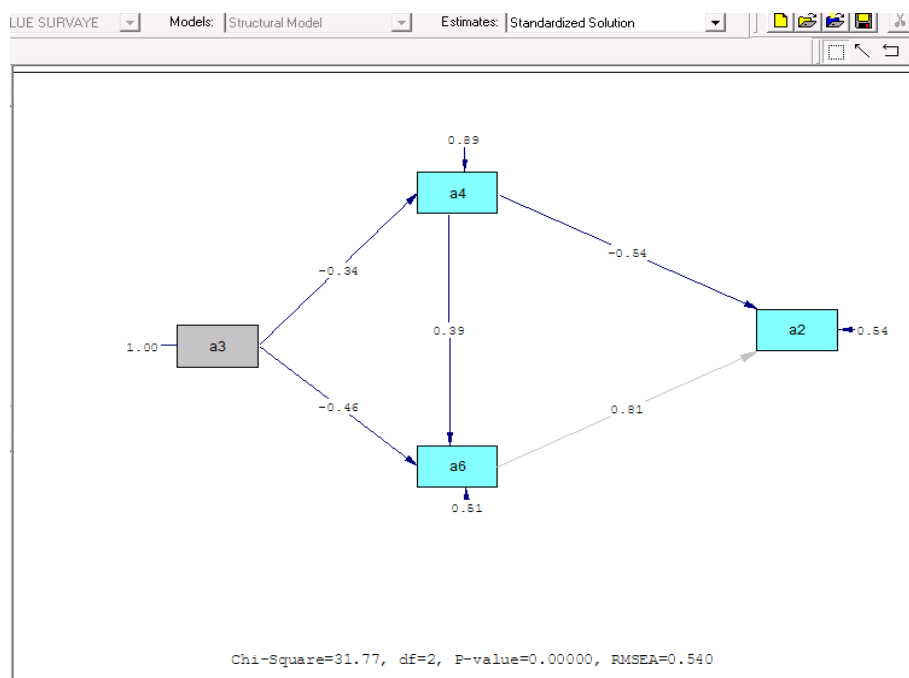
همانگونه که ملاحظه می شود، شاخص «توسعه انسانی» بر روی «ضریب جینی» تأثیر معنادار و معکوس دارد و بدین معنا که به با بهبود شاخص توسعه انسانی، شاخص «ضریب جینی» (نابرابری) در کشورها کاهش می یابد. بنابراین متغیر توسعه انسانی تأثیر مستقیم بر روی متغیر وابسته نهایی یعنی «میزان پذیرش مهاجران خارجی» ندارد. بلکه تأثیر آن از طریق متغیرهای ضریب جینی و «جمعیت زیر خط فقر» و بصورت غیرمستقیم می باشد. این پدیده در اندیشه های جامعه شناسانی چون اینگلهارت و لرنر نیز آشکار است که شاخص توسعه، اعم از اقتصادی و انسانی، می تواند نگرش جوامع را تحت تأثیر قرار دهد. اما این بدان معنا نیست که توسعه اقتصادی- اجتماعی الزاما و ضرورتا تغییر نگرشها را به دنبال خواهد داشت، بلکه عوامل و شرایط دیگری نیز لازمست. نگاهی به فایل داده ها نیز مؤید نکته فوق خواهد بود. وجود کشورهایی چون هنگ کنگ که با وجود اینکه به لحاظ شاخص توسعه انسانی (۰/۹۴۲) و نرخ بیکاری (۴/۶) وضعیت مطلوبی دارند. به لحاظ شاخص پذیرش مهاجران خارجی وضعیت خوبی ندارد. (۲۰/۸ درصد پذیرش). این بدان معناست که صرف بهبود شاخصه های توسعه انسانی یا نرخ بیکاری، منجر به افزایش تساهل و پذیرش مهاجران خارجی نمی گردد، اما می تواند از طریق بهبود شاخصه هایی چون ضریب جینی بر روی نگرش نسبت به خارجیان تأثیر گذار باشد. بنابراین مدل نهایی بر مبنای تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انجام شده به شرح ذیل خواهد بود.



مدل تحلیلی فوق بر مبنای تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزار spss ترسیم شده است. اما جهت تعیین میزان انطباق مدل با داده ها و به عبارت دیگر جهت تعیین برازش مدل اقدام به تحلیل متغیرها با استفاده از لیزرل کرده ایم که نتایج و فرایند برازش در ادامه خواهد آمد. البته نتایج تحلیل مسیر و تحلیل لیزرل با همدیگر سازگارند.



در مدل فوق (a2) میزان پذیرش مهاجران خارجی؛ (a6) جمعیت زیر خط فقر؛ (a4) ضریب جینی؛ (a3) توسعه انسانی است. پس از انجام مرحله اول مدل بالا با شاخصهایی چون p-value و mesa بدست آمد. همانطور که ملاحظه می شود متغیر نرخ بیکاری نیز در این مدل حذف شده است و آن به دلیل تاثیر اندک و غیر مستقیم آنست. میزان p-value (۰/۰۵۳۵۴) بالاتر از ۰/۰۵ است و به لحاظ آماری مطلوب است و میزان mesa (۰/۲۳۱) است درحالیکه باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. (شوماخر، ۱۳۸۹:۱۱۲) (قاسمی ۲۹:۱۳۸۹)) بنابراین مدل برازش مطلوبی ندارد لذا از راهنمایی لیزرل جهت برازش مطلوب استفاده می کنیم. مدل پیشنهادی بصورت ذیل می آید:



همانطور که ملاحظه می شود پیشنهاد نرم افزار مبنی بر fix نمودن تاثیر a6 (جمعیت زیر خط فقر) به a2 (میزان پذیرش مهاجران) بود. پس از اجرای دوباره، مدل بصورت فوق درآمد. میزان rmsea به حدود ۰/۰۵ کاهش پیدا کرد که مطلوب است اما میزان p-value نیز کاهش داشت که عدد مطلوب آن بالا ۰/۰۵ است. اما دیگر پیشنهاد مطلوبی مبنی بر افزودن مسیر جدید یا حذف مسیر خاص نداریم و تحلیل را در این مرحله خاتمه می دهیم. مدل حاصل از تحلیل لیزرل با مدل رگرسیونی مطابقت دارد. مدل فوق نیز گویای آنست که توسعه انسانی تاثیری غیر مستقیم و از طریق ضریب جینی بر نوع نگرش جوامع نسبت به مهاجران خارجی تاثیر دارد، و ضریب جینی بیشترین تاثیر و البته تاثیری بدون واسطه بر نگرش جوامع نسبت به مهاجران داشته است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ ملکی، امیر(۱۳۸۶). تحلیل ارزشهای سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۰، بهار ۱۳۸۶.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی توسعه. (چاپ ششم). تهران: انتشارات کیهان.
- شوماخر، رندال. ای؛ لومکس، ریچارد. جی (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادل ساختاری (وحید قاسمی، مترجم). تهران: جامعه‌شناسان.
- کازنو، ژان (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی. (باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، مترجمان). تهران: اطلاعات.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش اجتماعی با کاربرد آموس گرافیک. تهران: جامعه‌شناسان.
- گلدروپ. جی. ای (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی جهان سوم. (جواد طهوریان، مترجم). تهران: انتشارات آستان قدس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. (حسن چاووشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: انتشارات پیام نور.
- **United Nations, (2002) Human Development Report, 2002, New York, Oxford University Press.**
- <http://data.worldbank.org>
- <http://www.nationmaster.com>
- http://fa.wikipedia.org/wiki/list_of_country_by_H.D